رخداد

دستگیری گروگانگیر پس از سه ماه

■ **ایسنا:** جانشین فرمانده انتظامی استان لرستان از دستگیری مردی گروگانگیر پس از گذشت سه ماه از حادثه خبر داد. سرهنگ غلامزاده دراین‌باره گفت: نوزدهم بهمن سال گذشته شخصی مدعی شد فرزندش به همراه راننده یک دستگاه کامیون در بازگشت از قصرشیرین، توسط سه نفر که از قبل با هم آشنایی داشتند، گروگان گرفته و به بروجرد منتقل شده است. وی ادامه داد: ماموران با به دست آوردن سرنخ‌هایی مخفیگاه متهمان را مورد بازرسی قرار دادند و همسر یکی از گروگانگیران را که در این جرم مشارکت داشت، دستگیر کردند. متهمان نیز در همان روز به ناچار دو گروگان را رها کردند. جانشین فرماندهی انتظامی لرستان خاطرنشان کرد: یکی از افراد آزادشده در تحقیقات توضیح داد پدرش مبلغ ۳۹ میلیون تومان به گروگانگیران مقروض بود که آنها به دلیل اختلاف مالی، دست به آدم‌ربایی زدند. وی افزود: گرچه افراد گروگان گرفته‌شده در کمتر از ۲۴ساعت آزاد شدند، پلیس کار دستگیری مجرمان را ادامه داد تا اینکه چند روز پیش یکی از متهمان را بازداشت کرد.

دستگیری ۳ مظنون در رابطه با قتل مرد پولدار و همسرش

■ **مهر:** پرونده قتل مرد پولدار و همسرش با انگیزه سرقت، با دستگیری سه مظنون وارد مرحله تازه‌ای شد. اواخر فروردین امسال قتل زوجی در گلشهر مشهد به پلیس اطلاع داده شد. دقایقی بعد تیمی از کارآگاهان همراه بازپرس کشیک قتل در محل جنایت حاضر شدند. تیم جنایی پس از ورود به خانه با جسد مرد ۷۵ساله درحالی که با ضربه‌های کارد از پا درآمده بود روبه‌رو شدند. جسد همسر ۴۰ساله‌اش نیز در فاصله چندمتری او روی زمین افتاده بود. بررسی‌ها نشان داد زن صاحبخانه با دهها ضربه چاقو و به طرز هولناکی به قتل رسیده است. در ابتدا فرضیه قتل با انگیزه سرقت و یا انتقام‌جویی مطرح شد. از سوی دیگر به دلیل نبود آثار ورود به زور روی در ورودی احتمال جنایت از سوی یک آشنا پیش روی پلیس قرار گرفت. کارآگاهان در بازرسی خانه با یک گاوصندوق روبه‌رو شدند که درش باز بود و محتویات داخل آن به سرقت رفته بود. با کشف گاوصندوق خالی و اطلاع ماموران از وضع خوب مرد سالمند، احتمال قتل با انگیزه سرقت پررنگ‌تر شد. کارآگاهان سپس با بررسی‌های گسترده سه نفر از آشنایان مقتولان را به عنوان مظنون دستگیر کردند. هم‌اکنون تحقیقات از مظنونان در اداره آگاهی ادامه دارد.

سارق خودرو به دام افتاد

■ **شرق:** سارق حرفه‌ای بعد از دستگیری به هفت فقره سرقت خودرو و لوازم داخل اتومبیل اعتراف کرد. سرهنگ قدسی فرمانده انتظامی دماوند در این‌باره گفت: ماموران حین گشت‌زنی به یک پراید با یک سرنشین مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. سرهنگ قدسی افزود: با بررسی مدارک خودرو مشخص شد این پراید مسروقه است. وی در ادامه از کشف تعداد زیادی مدارک مسروقه خبر داد و تصریح کرد: در بازرسی از داخل خودرو شش کارت و بیمه‌نامه خودرو، گواهینامه پایه‌دوم، چهار عدد سیم‌کارت تلفن همراه، تعدادی کارت عابربانک و کارت‌ملی و شناسنامه، کارت اهدای عضو و کارت انجمن پرستاری، دو عدد کارت الکترونیکی مترو، دو عدد دفترچه بیمه، یک عدد کارت‌هدیه بانک، یک عدد پنل ضبط، یک عدد کارت‌سوخت خودرو، دسته‌کلید، یک عدد باند بزرگ، یک سری کپی از سند مالکیت زمین و مقداری موادمخدر از نوع شیشه کشف شد و در نهایت متهم به پنج‌فقره سرقت داخل خودرو و دو فقره سرقت خودرو اعتراف کرد.

کمد لباس، مخفیگاه سارق

■ **پلیس‌خبر:** سارقی که برای فرار، خود را در کمد لباس پنهان کرده بود توسط ماموران پلیس اصفهان دستگیر و تحویل مراجع قضایی شد. سرهنگ «محمدعلی بختیاری» فرمانده انتظامی اصفهان توضیح داد: روز جمعه فردی با مراجعه به ماموران گشت عنوان کرد منزلش توسط سارقی تحت دستبرد قرار گرفته است. وی افزود: ماموران پس از ورود، منزل را به طور کامل بازرسی کردند ولی اثری از سارق یافت نشد. این مقام انتظامی تصریح کرد: ماموران با مشاهده تکان‌های خفیف کمد لباس، کمد را مورد بازرسی قرار دادند و سارق را که در این محل پنهان شده بود دستگیر کردند. رییس پلیس اصفهان در ادامه افزود: در بازرسی بدنی از سارق دو حلقه النگو طلا متعلق به همسر شاکی کشف و ضبط شد.

سقوط پراید جان ۵ نفر را گرفت

■ **پلیس‌خبر:** پنج نفر بر اثر سقوط پراید به داخل دریاچه در استان کرمان جان باختند. ساعت ۲۰:۱۵ روز پنجشنبه هفته گذشته یک پراید به دلیل سرعت غیرمجاز کنترل خود را از دست داد و به داخل دریاچه یکی از سدهای محلی استان کرمان افتاد. این حادثه که در یکی از محورهای فرعی قلعه‌عسگر به وقوع پیوست باعث کشته‌شدن ۵ نفر به دلیل خفگی شد.

تجمع اعتراضی در واکنش به قتل دختر بوکانی

شرق: ربوده و کشته شدن دختری ۱۷ساله در بوکان کارآگاهان جنایی را در برابر پرونده‌ای پیچیده قرار داده است. این در حالی است که مردم این شهر در پی کشف جسد وحشت‌زده و مضطرب شده‌اند و روز جمعه مقابل فرمانداری تجمع کردند.

دختر ۱۷ساله که سمیه فیض‌الله‌پور نام دارد اواسط فروردین‌ماه ناپدید شد و والدین او این خبر را به پلیس اعلام و درخواست کمک کردند اما سرنخی از این دختر به دست نیامد تا اینکه ۲۴ فروردین به کارآگاهان جنایی خبر دادند جنازه دختر نوجوانی زیر پل امیرآباد پیدا شده است، به این ترتیب تحقیقات آغاز و مشخص شد جنازه متعلق به سمیه است. این دختر بنا به تشخیص پزشکی‌قانونی حاضر در محل چند روز قبل جان باخته بود. در پی این اتفاق تیمی تحقیق درباره انگیزه قتل سمیه را آغاز کردند اما

آنها تاکنون به سرنخ و مدرکی دست نیافته‌اند و فقط در پی احتمال‌ها و فرضیه‌های مطرح‌شده سه نفر را به عنوان مظنون بازداشت کردند. این اشخاص تاکنون در بازجویی‌ها هرگونه مشارکت در ربودن و به قتل رساندن دختر دانش‌آموز را رد کرده‌اند با این وجود تحقیق از آنها ادامه دارد. این در حالی است که مردم بوکان روز جمعه با تجمع مقابل فرمانداری نسبت به واقعه رخ‌داده، اعتراض کردند و خواستار برخورد قاطع‌تر مقامات مسوول شدند. در این تجمع پدر سمیه به مردم گفت نیروی انتظامی و دستگاه قضایی تاکنون پیگیری‌های مناسبی انجام داده‌اند.

پس از کشف جسد سمیه شایعاتی در بوکان مطرح شد مبنی بر اینکه چند دختر دانش‌آموز دیگر نیز که در مقاطع راهنمایی و دبیرستان تحصیل می‌کنند ربوده شده‌اند اما چنین شایعاتی به تایید نرسیده است.

اعدام در ملاءعام برای رباینده‌گان زن جوان مقابل چشمان شوهر

شرق: سه مرد که زن جوانی را مقابل چشمان شوهرش ربوده و مورد تجاوز قرار داده بودند، به اعدام در ملاءعام محکوم شدند. این پرونده اسفند سال ۸۷ با شکایت مردی جوان تشکیل شد. این مرد با مراجعه به ماموران پلیس کرج از ربوده شدن همسرش خبر داد و گفت: «من و همسرم به نام مریم در خیابان پیشاهنگی در حال قدم زدن بودیم که یک پراید با دو سرنشین مقابل‌مان توقف کرد و یکی از آنها بعد از پیاده شدن از خودرو و معرفی خود به عنوان مامور، خواست مرا بازرسی بدنی کند اما من که به او مشکوک شده بودم کارت شناسایی خواستم و وی به جای نشان دادن کارت، با من درگیر شد. در حالی‌که اطمینان پیدا کرده بودم این دو نفر مامور قلابی هستند از همسرم خواستم با داد و فریاد مردم را خبر کند. خودم هم با یکی از آن دو درگیر شدم. در این هنگام راننده پراید پیاده شد و با تهدید چاقو و زور، همسرم را سوار خودرو کرد و دو نفری گریختند. در آن لحظات مردم دور ما جمع شده بودند اما کسی کمکم نکرد و من فقط توانستم شماره پلاک پراید را یادداشت کنم.» شماره این خودرو بلافاصله در اختیار واحدهای گشت قرار گرفت و ماموران ساعتی بعد این اتومبیل را در جاده حاشیه‌ای مشاهده کردند و دستور ایست دادند. در این هنگام پرایدسواران با پرت‌کردن زن جوان به بیرون، با سرعت فرار کردند. پس از آن ماموران سراغ زن ۲۵ساله رفتند و درباره واقعه‌ای که برایش رخ داده بود توضیح داد. مریم گفت: «آن دو مرد بعد از ربودن من به یکی از دوستان‌شان تلفن و او را هم خبر کردند آنها مرا به منطقه‌ای بیابانی بردند و مورد تجاوز قرار دادند. من خیلی به آنها التماس کردم و حتی برای اینکه رهایم کنند مدعی شدم باردار هستم ولی حرف‌ها و گریه‌هایم هیچ فایده‌ای نداشت.» کارآگاهان تجسس‌های خود را با ردیابی پراید متهمان پی گرفتند و فهمیدند این خودرو مسروقه است. به این ترتیب تنها سرنخ پلیس از بین رفت اما ماموران با راهنمایی مریم و شوهرش به چهره‌نگاری از متهمان پرداختند و از این طریق یکی از آنها را به نام حسن شناسایی کردند. این مرد ۴۵ روز بعد از وقوع جرم دستگیر شد و دو همدست سابقه‌دار خود را معرفی کرد و آنان نیز بازداشت شدند و بازجویی از این افراد در دستور کار قرار گرفت. حسن ضمن اعتراف به آزار زن ۲۵ساله گفت: «ما زورگیر هستیم، آن روز هم قصد داشتیم با جعل عنوان، از این زن و شوهر سرقت کنیم اما مرد جوان در برابرمان مقاومت کرد و ما همسرش را ربودیم و بعد به یکی از دوستان‌مان زنگ زدیم و سه نفری به وی تعرض کردیم علاوه بر این ما چندین فقره دزدی دیگر نیز انجام داده‌ایم.» دو متهم دیگر نیز گفته‌های حسن را تایید کردند و به این ترتیب آنها در شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شدند. آنها در دادگاه اتهام خود را رد کردند اما هیات قضات با توجه به مدارک موجود، رای بر اعدام هر سه متهم دادند. پس از آن پرونده در اختیار قضات دیوانعالی کشور قرار گرفت و آنها به‌خاطر وجود ایرادهای قانونی، رای صادره را نقض کردند و خواستار محاکمه مجدد حسن و همدستانش شدند. دومین دور رسیدگی به اتهام سه مرد متجاوز اسفند سال گذشته برگزار شد و این بار نیز متهمان با اعلام بی‌گناهی اعلام کردند خواستار صدور حکم برائت هستند اما هیات قضات هفته گذشته پس از شور به این نتیجه رسیدند که هر سه آنها گناهکار هستند به همین خاطر هر یک از آنان را به یک‌بار اعدام در ملاءعام؛ ۲۰ سال حبس، ۲۵سال تبعید و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند.

مادرشوهر علیه عروس متهم به قتل

■ زن جوان در دادگاه اتهام قتل همسرش را رد کرد

شرق: زن جوان که به قتل شوهرش متهم شده با انکار این اتهام گفت بعد از مرگ همسرش متوجه شد او معتاد است و به دلیل مصرف بیش از حد مواد جان باخته است. به گزارش خبرنگار ما، نسرین زن جوان که با شکایت مادرشوهرش به دادگاه آمده بود، گفت زمان وقوع حادثه تلاش زیادی برای نجات شوهرش کرد اما او جان خود را از دست داده بود.در ابتدای جلسه محاکمه که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری‌استان تهران برگزار شد، سیدرضایی نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و گفت: ۲۱ آذر چهار سال قبل پلیس هشتگرد از مرگ مردی مطلع شد که به گفته پزشکان به شدت مسموم شده بود. جسد امیر به دستور بازپرس ویژه قتل برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. بازپرس پرونده خانواده امیر را مورد بازجویی قرار داد. نسرین -همسر مقتول- به ماموران گفت شوهرش بعد از بازگشت از مشهد بدحال شد و او چندین بار همسرش را به بیمارستان برد و در نهایت هم امیر جان خود را از دست داد. گفته‌های نسرین از سوی مادرشوهرش نقض شد. این زن گفت اطمینان دارد، عروسش پسرش را به قتل رسانده است و پسرش قبلا گفته بود زنش علیه او توطئه کرده است. نماینده دادستان ادامه داد: «بازپرس در گام بعدی پسرخاله مقتول را که تنها شاهد حادثه بود مورد بازجویی قرار داد و این مرد گفت پسرخاله‌اش قبل از بیهوشی به دکتر گفته بود همسرش قصد کشتن او را دارد.» نماینده دادستان تهران در پایان گفت: با توجه به مدارک موجود در پرونده و شواهد و دلایلی که وجود دارد به عنوان نماینده دادستان درخواست صدور حکم قانونی را دارم. در ادامه دختران مقتول به عنوان ولی‌دم در جایگاه حاضر شدند. آنها گفتند از مادرشان شکایتی ندارند چون اطمینان دارند مادرشان هیچ نقشی در مرگ پدرشان ندارد. دختر بزرگ مقتول گفت: چندسال بود که پدرم بیمار بود. او به دکتر رفتن و درمان اعتقادی نداشت و می‌گفت دکترها فقط می‌خواهند من را سرکیسه کنند. بیشتر اوقات ضعف داشت و سرش گیج می‌رفت. فشار خونش پایین می‌آمد و گاهی هم دیگر نمی‌توانست روی پایش بایستد. چندبار مادرم مجبورش کرد دکتر برود. پزشکان برایش آزمایش نوشتند اما نرفت و گفت خودش قرص می‌خورد و خوب می‌شود. البته پدرم کشاورز و دامدار بود و بیشتر اوقات وقتی این‌طور می‌شد که سم‌پاشی می‌کرد. شب حادثه هم پدرم از مشهد آمده بود. وقتی به خانه رسید من مدرسه بودم. بعد از بازگشت به خانه مادرم گفت پدرت مریض است. او آنقدر حالش بد بود که حتی نمی‌توانست پیش میهمانانش بنشیند و در اتاق خوابیده بود. مادرم دوبار او را همراه پسرخاله پدرم به دکتر برد. دختر مقتول در مورد اینکه آیا دیده است مادرش در غذای پدرش دارو بریزد، گفت: پدرم عادت نداشت از دست کسی چیزی بگیرد و همیشه خودش برای خودش چای و غذا می‌کشید حتی برای ما هم می‌کشید. من هیچ وقت ندیدم مادرم دارویی در غذای پدرم بریزد. این دختر در ادامه گفت: بیماری پدرم از سال ۸۴ شروع شد. او هر چند وقت یک‌بار در بیمارستان بستری می‌شد.

عکس: شرق

البته چندساعتی او را نگه می‌داشتند و بعد مرخص می‌شد و دیگر پیگیری نمی‌کرد. در ادامه وکیل مادر مقتول در جایگاه حاضر شد. او گفت: موکل من درخواست قصاص دارد و بر شکایت خود باقی است. موکل من در شکایت خود آورده است یک‌سال قبل از مرگ مقتول، متهم با فردی رابطه نامشروع داشت و پرونده‌ای هم در این خصوص تشکیل شد اما مقتول به دلیل حفظ آبرویش گذشت کرد. همچنین مقتول به خانواده‌اش گفته بود همسرش او را مسموم می‌کند و دارو در غذایش می‌ریزد اما این داروها تاثیری ندارد. موکل من معتقد است عروسش طی چندین سال پسرش را مسموم کرده و در نهایت هم او را کشته است. متهم شیشه مصرف و زنان جوان را هم به کارهای خلاف شرع وادار می‌کرد. در این هنگام قاضی عزیزمحمدی-رییس دادگاه- از وکیل مادر مقتول پرسید آیا شما مدرکی هم برای اثبات ادعایتان دارید که او جواب داد ما هیچ مدرکی نداریم و اینها ادعاهای موکل من است. در ادامه پسرخاله مقتول در جایگاه حاضر شد تا به عنوان شاهد آنچه را که دیده بود توضیح دهد. او گفت: من در جریان درگیری پسرخاله‌ام با همسرش نبودم. شب حادثه نسرین با من تماس گرفت و گفت شوهرش بدحال است و از من کمک خواست. من با پسرم رفتم و پسرخاله‌ام را به بیمارستان بردیم. وقتی دکتر او را معاینه کرد، گفت او مواد مصرف کرده است. من گفتم امیر حتی سیگار هم نمی‌کشد اما دکتر قبول نکرد و خیلی سریع معده پسرخاله‌ام را شست‌وشو داد. وقتی محتویات معده داشت خارج می‌شد پزشک ذراتی را نشان داد و گفت اینها مواد است. وقتی حال پسرخاله‌ام بهتر شد به خانه برگشتیم اما او دوباره بدحال شد. این شاهد ادامه داد: نسرین آمپولی به امیر تزریق کرد و بعد هم حالش بدتر شد و ما دوباره او را به بیمارستان بردیم و دیگر به‌هوش نیامد. در ادامه متهم به دفاع از خودش پرداخت. او گفت: اتهام قتل را قبول ندارم. من هیچ سابقه‌ای ندارم و همیشه به فکر زندگی‌ام بودم. با شوهرم کشاورزی و دامداری کردم تا بتوانیم زندگی‌مان را تامین کنیم. هیچ‌وقت هم ندیدم او مواد بکشد و هربار که حالش بد می‌شد من فکر می‌کردم چون سم‌پاشی می‌کند مریض می‌شود. من هیچ انگیزه‌ای هم برای قتل امیر نداشتم و مرگش ضربه‌ای سخت به من زد. او ادامه داد: آن روز دکتر برای امیر نسخه نوشت تا من داروهایش را بگیرم. وقتی شوهرم را به خانه بردیم و دوباره حالش بد شد من با دکترش تماس گرفتم و او گفت ضعیف شده، به او آمپول ب کمپلکس و ب ۱۲ تزریق کن اگر هم نمی‌توانی او را بیاور. من چون بهداشتیار بودم خودم آمپول را تزریق کردم اما شوهرم بهتر نشد و وقتی دوباره به بیمارستان رفتیم، گفتند امیر به کما رفته است. متهم گفت: شوهرم جلو ما مواد نمی‌کشید و من بعد از مرگش بود که در مورد اعتیادش اطلاعاتی به دست آوردم. او خانه‌ای در کنار دامداری‌اش داشت و بیشتر اوقات آنجا بود و کار می‌کرد و کمتر پیش ما در هشتگرد می‌آمد. بنا بر این گزارش بعد از پایان دفاعیات متهم هیات قضا برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

۶ کشته و ۲ مجروح در پی ریزش سقف مسجد

شرق: ریزش سقف مسجدی در تهران در پی گودبرداری غیراصولی ساختمانی در مجاورتش شش کشته و دو مجروح برجای گذاشت. حسن عباسی مدیر روابط عمومی اورژانس تهران با اعلام این خبر گفت: در پی این حادثه که روز جمعه در مسجد حضرت رقیه(س) در منطقه فلاح رخ داد ۱۶ دستگاه آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس به محل حادثه اعزام شد و مصدومان نیز به بیمارستان سینا منتقل شدند. عباسی گودبرداری غیراصولی ساختمانی در مجاورت مسجد را علت بروز این حادثه عنوان کرد. محمود مظفر رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر ایران نیز درباره این حادثه گفت: در ساعت ۲۲ جمعه امدادگران جمعیت هلال احمر از طریق دریافت گزارش مردمی در جریان وقوع حادثه‌ای در منطقه فلاح تهران قرار گرفتند و با حضور در صحنه حادثه دریافتند سقف قسمت زنانه یک مسجد در سه‌راهی فلاح، خیابان شاندیز ریزش کرده است. وی افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد این حادثه در زمان برگزاری مراسم عزاداری ایام فاطمیه رخ داده است. مظفر با بیان اینکه بلافاصله یک تیم پنج‌نفره به همراه ست زنده‌یاب، آمبولانس، سه قلاده سگ زنده‌یاب و تیم پنج‌نفره آنست به محل حادثه اعزام شدند گفت: امدادگران در عملیات جست‌وجو و نجات توانستند پیکر شش تن از جمله سه کودک را از زیر آوار بیرون بکشند. شهردار منطقه ۱۷ نیز درباره این حادثه گفت: فرسودگی بنای مسجد از دلایل این اتفاق است و شهرداری در تاریخ ۲۷ فروردین به سازندگان بنای مجاور و متولیان مسجد اخطار داده بود. بهروز محمدزاده گفت: اظهارنظر در مورد غیراصولی بودن گودبرداری ملک مجاور مسجد تا اعلام رسمی از سوی کارشناسان نظام مهندسی مقدور نیست اما ساختمان مجاور گودبرداری عمیقی انجام نداده و تنها یک متر برای احداث فونداسیون پیش رو داشته است. وی با بیان اینکه مسجد حضرت رقیه(س) در دهه ۴۰ و با مصالح خشتی بنا شده بود به فرسودگی این ساختمان اشاره کرد و گفت: مهر سال ۹۰ نیز در ضلع‌غربی این مسجد ملکی دیگر مراحل تخریب و نوسازی را آغاز کرد که باعث آسیب به دیواره غربی مسجد شد که در پی اخطار شهرداری ناحیه، سازنده ملک رفع خطر کرده بود. محمدزاده تصریح کرد: متاسفانه متولیان این مسجد در گذشته به طور غیرمجاز و غیراصولی زیر زمین مسجد را توسعه داده بودند که این اقدام باعث سست‌کردن دیواره مسجد شده بود. وی افزود: شامگاه جمعه در پی وقوع این حادثه عوامل شهرداری، ستاد مدیریت بحران و خدمت شهری با کمک نیروهای امدادی اجساد را از زیرآوار بیرون آوردند و هم‌اکنون به دلیل خطرساز بودن محل، ایمن‌سازی املاک مجاور در دستور کار قرار گرفت.

پنج قاره

محکومیت فوتبالیست انگلیسی به اتهام تجاوز

■ **فرانس‌پرس:** مهاجم تیم فوتبال شفیلدیونایتد انگلیس به پنج سال زندان محکوم شد. چد اوانز ۲۳ ساله به اتهام تجاوز در ماه مه گذشته در هتلی در منطقه نورث ولز، از سوی دادگاه کرنارفون محکوم شناخته شد. اوانز را در این حرکت غیراخلاقی، کلیتون مک دانالد مدافع تیم پورت‌ویل نیز همراهی کرده است. اوانز که سابقه ۱۳ بازی ملی با تیم ولز را دارد، باید مدت پنج سال را در زندان بگذراند.

اعدام قاتل آمریکایی

■ **رویترز:** قاتل ۲۸ ساله آمریکایی به روش تزریق سم اعدام شد. شانون جانسون از آغاز سال ۲۰۱۲ تاکنون پانزدهمین نفری است که در آمریکا اعدام می‌شود. وی در سال ۲۰۰۶ کامرون هاملین ۲۶ ساله را در حالی که با نامزد سابقش قرار ملاقات داشت، به قتل رساند. او در سال ۲۰۰۸ به اعدام محکوم شد و از شرکت در جلسات فرجام‌خواهی خود سرباز زد و در نهایت ساعت سه بامداد جمعه در ایالت دلاور واقع در شمال شرق آمریکا به مجازات رسید. روز چهارشنبه هفته پیش نیز حکم اعدام یک قاتل به نام مارک وایلز به جرم قتل پسر ۱۵ ساله کارفرمایش به وسیله چاقو در ایالت اوهایو اجرا شد.

وحشت در هتل

■ **واحدمرکزی‌خبر:** حریق گسترده در هتل به تخلیه صدها نفر از مسافران این هتل منجر شد. حریق گسترده‌ای شامگاه جمعه در یکی از هتل‌های بزرگ هنگ‌کنگ رخ داد. این حریق در طبقه چهل و سوم هتل آغاز شد و به سرعت گسترش یافت. حریق به حدی شدید بود که ۶۰۰ نفر از مسافران این هتل به سرعت تخلیه شدند. یک نفر از ساکنان این هتل نیز دچار آتش‌سوزی شدید شد و به بیمارستان انتقال پیدا کرد.

زمین‌لرزه ۶/۹ ریشتری در اندونزی

■ **شینهوا:** مرکز مطالعات زمین‌شناسی آمریکا اعلام کرد زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۶/۹ درجه در مقیاس ریشتر بامداد شنبه به وقت گرینویچ، سواحل شمالی شهر پاپوا در اندونزی را تکان داد. کانون اصلی این زمین‌لرزه عمق ۳۳ کیلومتری زمین بود. گزارشی از خسارات یا تلفات این زمین‌لرزه منتشر نشده است.

دریچه

عکس: Reutres

۱۲۷ کشته در سانحه هوایی پاکستان

فرانس‌پرس: بدی آب و هوا علت اولیه سقوط هواپیمای مسافربری در پاکستان اعلام شد. در این سانحه که جمعه در نزدیکی فرودگاه اسلام‌آباد رخ داد، ۱۲۷ نفر کشته شدند. این هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ پاکستانی از کراچی به سمت اسلام‌آباد در حال حرکت بود که در یک منطقه کشاورزی سقوط کرد. به گفته مقامات پاکستانی، هواپیما در حالی که در تلاش برای نشستن بود به علت بدی هوا و رعد و برق سقوط کرد.

نگاه

علل شکل‌گیری باندهای بزهکار خانوادگی

مریم رفعتی
روان‌شناس و استاد دانشگاه

■ هر از گاهی خبرهایی از وجود باندهای خانوادگی و به عنوان مثال همدستی والدین و فرزندان در ارتکاب جرم می‌خوانیم.

وقتی خانواده شکل می‌گیرد پدر و مادر، هسته و کانون اصلی آن محسوب می‌شوند و هر کدام با کوله‌باری از تجارب و خاطرات سال‌های گذشته وارد زندگی خانوادگی می‌شوند و تجارب و آموخته‌های آنها در کنار هم قرار می‌گیرد. اگر این تجارب همخوانی داشته و از دو نهاد ضداجتماعی و ناهنجار ناشی شده باشد و زن و شوهر از خانواده‌هایی آمده باشند که در آنها افراد ضداجتماعی، عادی هستند، قطعا این رفتار هماهنگ ضداجتماعی در خانواده جدید نیز به وجود می‌آید. بنابراین فرزندان نیز رفتارهای ضداجتماعی را فرا می‌گیرند و در خانواده‌ای قدم می‌گذارند که الگوها و باورهای غلطی در آن وجود دارد. یعنی دوران رشد فرزندان که ۶ سال اول زندگی است در خانواده‌ای سپری می‌شود که رفتار ضداجتماعی وجود دارد. ضمن اینکه فرزندان چنین خانواده‌هایی از آموزش، رسانه‌ها، پیش‌دبستانی، مهدکودک و... محروم می‌شوند و در مجموع ساختار رشد این فرزندان از سوی پدر و مادر شکل می‌گیرد. از طرفی وقتی فرزندان این خانواده‌ها به مدرسه پا می‌گذارند رفتار هماهنگ ضداجتماعی معمولا در محیط مدارس خانواده‌های اینچنینی نیز وجود دارد. چون معمولا آنها در مناطق محروم زندگی می‌کنند و در محیط آنها بزه منفور نیست، به این ترتیب از طریق ارتباط با همسالان نیز رفتارهایی که در سن رشد از پدر و مادر آموخته‌اند تقویت می‌شود. البته در چنین مواردی که افراد و خانواده‌های ناهنجار با هماهنگی هم دست به رفتارهای ضداجتماعی می‌زنند معمولا شرایط اقتصادی نیز دخیل است. در واقع بزه و جرم برای این گروه به مفهوم کار برای درآمد است و در نتیجه فرزندان نیز وارد همان مسیری می‌شوند که خانواده در آن قرار دارد. از طرفی در خانواده‌هایی که مسیرها یکی است به نحوی رفتار می‌شود که اعضا از هم حمایت کنند، چون بین آنها باورهای مشترک وجود دارد. علاوه بر موارد ذکرشده بسترهای اجتماعی نیز به این رفتارها دامن می‌زنند چون از نظر اقتصادی و فرهنگی کمی و کاستی‌هایی وجود دارد و از چنین فرزندانی حمایت‌های لازم نمی‌شود و آموزش‌هایی برای جلوگیری از انحراف این افراد وجود ندارد. حال آنکه باید نظامی برای شناسایی استعدادها و هدایت آنها در مسیر درست وجود داشته باشد تا شاهد چنین پدیده‌ای نباشیم. در مجموع می‌توان گفت در چنین خانواده‌هایی که بزه ریشه اقتصادی دارد مانند سوپرمارکتی رفتار می‌شود که متعلق به پدر است و دیگر اعضای خانواده نیز در آن مشارکت دارند و رفتارهای مجرمانه کسب مشترک محسوب می‌شود و فرزندان نیز در کسب و کار به والدین کمک می‌کنند. از جهت دیگر باید توجه کرد وقتی افراد در یک گروه عضویت و مسیر و ایده‌های مشترکی دارند، دارای ویژگی‌های روان‌شناختی مشترکی نیز هستند و در واقع بین آنها انسجام و چسبندگی وجود دارد و برای آنان ماندن در این گروه اهمیت بیشتری از ترک آن دارد. بنابراین افراد برای حفظ گروه از هم حمایت می‌کنند و از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند.البته می‌توان حالت دیگری را نیز در این خانواده‌ها تصور کرد و آن این است که دو زوج از دو نهاد اجتماعی مختلف آمده باشند و از نظر هنجارهای ضداجتماعی همخوانی نداشته باشند. در اینگونه موارد ممکن است یکی دیگری را به رفتار خود جذب کند یعنی یا یکی اصلاح یا دیگری به مسیر جدید و ضدهنجار وارد می‌شود. البته در بسیاری موارد نیز این اتفاق نمی‌افتد و زندگی مشترک زوجی که یکی از آنها هنجار و دیگری ناهنجار است به جدایی و طلاق می‌انجامد.

همچنین باید تاکید کرد دوگونه خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده وجود دارد؛ خانواده هسته‌ای را پدر و مادر و فرزندان تشکیل می‌دهند که در بالا آن را مورد بررسی قرار دادیم اما در خانواده گسترده که بیشتر در نسل‌های قبل وجود داشت، چند خانواده هسته‌ای که با هم نسبت فامیلی داشته‌اند در یک مکان یا در همسایگی هم زندگی می‌کردند و در چنین خانواده‌هایی علاوه بر محیط زندگی مشترک کار و شغل نیز مشترک بود که هنوز آثار این نوع خانواده‌ها در جامعه ما دیده می‌شود. در جامعه امروز ممکن است محیط‌های زندگی جدا شده باشد اما هنوز در بافت فرهنگی و اجتماعی چنین مفاهیم و ایده‌هایی -خانواده گسترده- وجود دارد. خانواده گسترده معمولا در سطوح و طبقات پایین اجتماعی و اقتصادی فراگیری بیشتری دارد. در جرایم نیز ایده خانواده گسترده حفظ می‌شود و چون پدر و مادر این فرزندان خاستگاه و باورهای مشترکی داشته‌اند، بنابراین فرزندان نیز اوقات مشترکی را با هم گذرانده‌اند و به دلیل همین تشابهات به صورت شبکه‌ای با هم فعالیت می‌کنند.این افراد سبک و سیاق مشترکی دارند و اوقات مشترک زیادی را با هم گذرانده‌اند و به همین دلیل، ایده‌های ذهنی آنها نیز به هم شبیه است و وقتی اندیشه‌هایشان را با هم در میان می‌گذارند برای دیگران پذیرفتنی‌تر است و بنابر همین دلایل اعتماد بین آنها بیشتر است و جذب نفر جدید و غریبه به سختی صورت می‌گیرد.

بنابراین باید با از بین بردن چنین رفتارها و بنیان‌هایی از ریشه و آموزش افراد که مدارس و رسانه‌ها نقش موثری در آن دارند به بهبود وضع و کم‌شدن جرایم خانوادگی کمک کرد.